



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۱۰/۰۹

محمد صالح گردش

نادان به دنیا می آییم و...

نادان به دنیا می آییم و با نادانی زندگی را پرورد می گوئیم، زیرا به چیزها و مسایلی که یقین یافته ایم و باورمند گردیده ایم. همه سوای حقایق و رویداد هایبست که در نفس هر رویداد و اتفاقی به وقوع پیوسته یا می پیوندد و برداشت های ما از تمام وقایع، نسبی است و حقیقت سوای آن چیزی است که ما پنداشته ایم و باورمند گشته ایم. پس از یک جهت می توان گفت که دانا کسی است که در رابطه به مسایل یک طرفه نیندیشد و قضاوت نکند و در برخورد با مسایل مصدر حکم نباشد. بگفته مولانا در چنین موارد می باید، کاغذ اسپید نابنوشته بود. و اگر کمی تغییر مسیر دهیم، به گفته عمر خیام:

هرگز دل من ز علم محروم نشد
کم ماند ز اسرار که معلوم نشد
هفتاد و دو سال فکر کردم شب و روز
معلوم شد که هیچ معلوم نشد

و به گفته ابن سینا و بنا به اقوالی ابوسعید ابوالخیر

دل گرچه در این بادیه بسیار شتافت
یک موی ندانست و بسی موی شکافت
گر چه ز دلم هزار خورشید بتافت
آخر به کمال ذره ای راه نیافت



محمد صالح گردش

پس نشان خردمند روشنفکر شک و تردید است و فقط روشنفکران اند که با این پندار به هرکسی حق اظهار نظر و بودن و زیستن را داده و می دهند و چنان اند که ولتر گفته بود: با آنچه تو می گویی مخالف ولی برای آنکه بتوانی سخنان را آزادانه بیان داری حتا زندگیم را در آن راستا فدا می سازم.

درحقیقت اینها کسانی بوده اندکه با اندیشیدن و مطالعه و تعمق به ندانستن خود پی برده و نسبت به همه چیز شکاک بوده اند ولی گروه اول کسانی اند که باورمند و معتقد اند و اندیشه ها و باورهای خود را حقیقت محض می دانند و از همین است که تمرد می کنند تا دیگران نیز به آنچه آنها می اندیشند و معتقد اند را بپذیرند و قبولش کنند. بر علاوه ی اینکه چنین افراد و اشخاص را به وفور در زندگی اجتماعی خویش دیده ایم، گروه های متشکل و سازمان یافته یی از این افراد را که بدون درنظرداشت و احترام به افکار عامه و با توسل به خشونت و راه اندازی کودتاها، خود و اندیشه های شان را بعد از کسب قدرت بالای اکثریت به زور و اجبار تحمیل نمودند نیز در تاریخ زندگی مردم خود تجربه کرده ایم که به طور مثال می توان از اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان یاد کرد. این گروه که متشکل از افراد خود کامه و خود راضی بودند فکر می کردند که فقط آنها به کمال آگاهی و درک حقایق دست یافته اند و دیگران نه تنها اینکه به نزد شان جاهل و نادان به نظر می رسیدند حتا به زعم ایشان حق زندگی را نیز نداشتند و همین بود که هزاران انسان را به جرم عدم هم اندیشی و فقدان توافق و نداشتن کارت عضویت در حزب و سازمانهای شان بستند و به زندانها کشیدند و کشتند. تاریخ نمی تواند حقایق را کذب و کتمان نماید و آن اینکه مقصرین اول همه بدبختی ها و نابسامانی های این چند دهه جنگ و بدبختی جامعه ما همان ها بودند و بعد

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی

نیز برادران ناراض و از خود راضی یا گروه ها و تنظیم های اسلامی که سالها را با استفاده از باور های ساده مردم جامعه ما، فرزندان این مرز و بوم را در مقابله و مقاتله با طرفداران حکومت دست نشانده روسی، فقط بخاطر چور و چپاول و دستیابی به غنایم جنگانیدند و بعداً با پیروزی خود را بر اوضاع و سرنوشت مردم مسلط ساختند و در ادامه نیز با جنگ های بیبی برای دستیابی به قدرت و غنایم بیشتر سالها مردم را وسیله جنگ و متارکه بدون نتیجه گردیدند.

از آنجا که دریافت حقایق ملزوم به زحمت و تفکر و سنجش است، هر کسی توان و ظرفیت آنرا ندارد تا زحمت و تلاش را متقبل گردد و همین است که شایعه و دروغ در جامعه زودتر گسترش می یابد و پذیرفته می شود، بویژه در جوامع عقب مانده و عقیدتی. حافظ چه خوب گفته است:

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه
چون ندیدند حقیقت، ره افسانه زدند

در یک جمله اینکه افغانستان در دودهه اخیر نیز بدست افراد بسیار از خود راضی نادان و متعصب گرفتار آمده بود که سبب بیشتر ناهنجاری ها و نابسامانی های غیر قابل علاج گردیدند.